

## کالبدشکافی یک تشکیلاتِ پروپاگاندا: ترورِ سیاسیِ جرمی کوربین

نویسندگان: فلوریان زولمان و تی. جی. کولز

ترجمهٔ پارسا زنگنه

جرمی کوربین، رهبر سابق حزب کارگر انگلستان، هدفِ یک تشکیلاتِ پروپاگاندايِ منسجم قرار گرفت، آن هم از سوی دستگاه «نظامی-صنعتی»ی دست راستی انگلستان که کوربین را برای منافع خود یک تهدید ارزیابی کرده بود. این مقاله ابتدا اجزای منفرد این تشکیلات را می‌شکافد و سپس چگونگی تقویت‌شدنِ این تشکیلات توسط رسانه‌های جریان اصلی انگلستان را موشکافی می‌کند.

الکس کری<sup>۱</sup>، پژوهش‌گرِ پروپاگاندا، در یکی از کتاب‌های خود<sup>۲</sup> چنین اظهار می‌کند: «پروپاگاندايِ درون‌وطنی، پروپاگاندايی توجیه‌شده برای کنترل یا منحرف کردن اهداف برخی از دشمنان بیگانه در زمان جنگ نیست؛ درواقع توجیه‌شده برای تحت کنترل-قراردادن و منحرف کردن اهداف رأی‌دهندگان داخلی در یک کشور دموکراتیک است، آن هم به نفع تک‌آواهایِ نازپروده<sup>۳</sup> آن جامعه». همانطور که خودِ کوربین هم اشاره کرد، او تهدیدکننده نبوده؛ «تهدید» واقعی عامهٔ مردم بودند که از کوربین به‌عنوان یک نمایندهٔ سیاسی بهره می‌بردند: برای بازگرداندن خدمات به مالکیتِ عمومی،

---

Alex Carey<sup>1</sup>

<sup>2</sup>Taking the Risk Out of Democracy: Corporate Propaganda Versus Freedom and Liberty

<sup>3</sup>privileged segments یا اقشار ممتاز

افزایش متوسط مالیات بر ثروتمندان، تأمین سرمایه مناسب برای بیمه و بازنشستگی همگانی و تا حدودی کاهش نظامی‌گری انگلستان در خارج از کشور (1).

کوربین در انتخابات رهبری حزب کارگر در سال 2015 در دور اول پیروز شد؛ با اختلاف آرائی که هم از رهبر سابق حزب کارگر و هم از نخست‌وزیر تونی بلر در سال 1994 بیشتر بود. در دوران کوربین، حزب کارگر اعضای خود را 354000 نفر افزایش داد (بین سال‌های 2015 تا 2018) که رشد بی‌سابقه‌ای بود. پس مقابله با چنین نیروی محرک دموکراتیکی، قطعاً نیازمند یک پروپاگاندای سیستماتیک بوده است: متحدان سیاسی درباره «بزرگترین ترور شخصیت از نوع یک سیاستمدار انگلیسی در تاریخ» صحبت کردند؛ در همان اثناء حتی روزنامه‌نگاران وابسته به حزب محافظه‌کار هم به «هزاران زیرآب‌زنی<sup>4</sup> علیه کوربین در مطبوعات و رسانه‌های بزرگتر» اشاره کردند، که منجر به «ترور سیاسی با دقت برنامه‌ریزی شده و بی‌پرده»ی کوربین شده بود (2).

در مورد کوربین مطالب زیادی نوشته شده است – برخورد رسانه‌ها، مخالفان سیاسی، و متحدان (فرضی) و همچنین شکست‌های خود او به عنوان یک سیاستمدار، به ویژه امتناع او از اتخاذ یک موضع روشن در مورد برگزیت و انجام یک حمله متقابل علیه پروپاگاندای گروه‌های لابی پرو-اسرائیل و افرادی که بخش‌هایی از جنبش کارگری را به عنوان ضد-یهود به تصویر کشیدند (3).

موضوع «ترور سیاسی» کوربین ارزش مطالعه دارد؛ زیرا مواردی وجود دارند که به آنها توجه کافی صورت نگرفته است: الف) گروه‌های ذینفع<sup>5</sup> بزرگتر وابسته به اجتماع که موافق با عقب‌رانی کوربین بودند؛ ب) نقش رسانه‌ها در حمایت ایدئولوژیک از این گروه‌های ذینفع؛ پ) تبعات مربوط به پایان دوران کوربینیسم. با پیروزی بوریس جانسون، نخست‌وزیر محافظه‌کار در دسامبر 2019، سیاست انگلستان شاهد برگشت

---

hatchet job<sup>4</sup>

interests<sup>5</sup>

مجدد به راست بوده است. گذشته از این، از زمان شکست کوربین، افترا بستن‌های عمومی علیه سوسیال‌دمکرات‌ها، سوسیالیست‌ها، اکتیویست‌های صلح و مبارزان ضد-نژادپرستی تشدید نیز شده است.

یک روایت اندام‌مند<sup>۶</sup> و مداوماً ضد-کوربین پدیدار شد: ابتدا از سوی دستورالعمل‌های مشترک متعلق به عناصر گسسته در تشکیلات انگلستان؛ سپس، این روایت خود را در رسانه‌های جریان اصلی ضرب نمود. از همین رو، تشکیلات پروپاگاندا علیه کوربین را باید در راستای احیای جناح راست انگلستان و همچنین در راستای یک حمله ایدئولوژیک گسترده‌تر از سوی دستگاه نظامی-صنعتی دید؛ دستگاہی که شامل چنین اجزائی است: بانک‌داری، تأمین مالی، قدرت شرکتی-سازمانی<sup>۷</sup>، سرویس‌های اطلاعاتی-امنیتی، رسانه‌های جمعی، و وزارت دفاع. این دستگاه، بر علیه جنبش‌های مربوط به حقوق مدنی، صلح و عدالت، فعالیت کرده است.

تکنیک‌های پروپاگاندا ی مدرن، دقیقاً به‌موجب یک چنین «مأموریت<sup>۸</sup>»هایی به وجود آمده‌اند. همانطور که کری در کتاب خود چنین خاطرنشان کرده است: تصویری که پروپاگاندا از سیاستمداران مداخله‌جو<sup>۹</sup> (سیاستمداران سوسیال-دموکراتیک یا سوسیالیست که ترجیح می‌دهند قدرت گروه‌های خاص ذینفع<sup>۱۰</sup> را به سود منافع اجتماعی<sup>۱۱</sup> کلی‌تر محدود کنند) به عموم نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای است که آنها را در مقام یک آدم شریر<sup>۱۲</sup>، براندازنده (شورشی) و تهدیدی برای «امنیت ملی» جا می‌زند. این شکل از پروپاگاندا همیشه محرک احساسات «ضد-کمونیستی» و گفتمان‌های هایپر-ناسیونالیستی بوده است.

---

organic<sup>6</sup>

corporate power<sup>7</sup>

purpose<sup>8</sup>

interventionist<sup>9</sup>

vested interests<sup>10</sup>

societal interests<sup>11</sup>

evil<sup>12</sup>

## یک جریان فکری تاریک

کوربین از یک «جریان فکری درخشان» در تاریخ حزب کارگر صحبت کرد: از «دیگرها و لولرها»<sup>۱۳</sup> گرفته که در جنگ داخلی انگلستان در قرن هفدهم علیه فساد در پارلمان مبارزه کردند، تا چارتیست‌های<sup>۱۴</sup> قرن نوزدهمی که زمینه را برای حق رأی مردها<sup>۱۵</sup> در بریتانیا فراهم نمودند. کوربین چنین گفت: حزب کارگر این سنت برخاسته از دل مردم و طبقه کارگری را تا امروز ادامه داده و انگلستان را که زمانی بخاطر خدمات بهداشت ملی، سیستم تأمین اجتماعی و مجموعه‌ای از قوانین مترقی مورد احترام بود، از دستمزد برابر به حقوق جنسیتی رساند (4). مبارزه ادامه دارد.

اما انگلستان علیه او سنگربندی شد: دستگاه محافظه کار (توری<sup>۱۶</sup>) و سلطنتی انگلستان اذهان عمومی را به وسیله جریان‌های فکری تاریک پروپاگاندای‌شان خفه کردند. اولین مورد برجسته و قابل ذکر در تاریخ، که علیه حزب کارگر انگلستان روی داد، «نامه‌ی معروف زینوویف» بود که شانس حزب کارگر را در انتخابات عمومی سال 1924 از بین برد: این نامه توسط سرویس‌های مخفی جعل شد، سپس به محافظه-کاران تحویل داده شد و در نهایت هم، از سوی مطبوعات برجسته «افشاء» گردید. این نامه ابزورد نمونه پیشینی این شکل از پروپاگاندا بود، که ظاهراً حزب کارگر را برای دامن زدن به ناآرامی‌های داخلی در انگلستان برانگیخته کرده بود. در هر حال ایجاد چنین وضعیتی کارساز بود و به شکست انتخاباتی حزب کارگر کمک کرد (5).

کوربین در سال 2015 رهبری حزب کارگر را بر عهده گرفت. این وهله برای ایالات متحده و کل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) حائز اهمیت بود. دونالد ترامپ

---

Diggers and Levellers<sup>13</sup>

Chartists<sup>14</sup>

universal male<sup>15</sup>

Tory<sup>16</sup>

نامزد جمهوری خواهان بود (سپس به طرز گروتسکی ریاست جمهوری را هم به دست آورد). ترامپ سیگنال‌های رتوریکال ارسال می‌کرد: «ناتو دیگر برای ایالات متحده ابزار تسلطیابی بر جهان محسوب نخواهد شد» (6). (اما به رغم این، و در واقعیت، ترامپ، به تقویت ناتو در مرزهای روسیه ادامه داد). نه تنها ریسک ارتقای قدرت روسیه (به خاطر تخریب ناتو به لحاظ رتوریکی توسط دستگاه ایالات متحده) افزایش یافت بلکه انگلستان (یکی از نزدیک‌ترین متحدان) (بخوانید: از نزدیک‌ترین سگ‌های دست‌آموز) ایالات متحده) قرار بود توسط شخصیتی رهبری شود که هم از اعضای برجسته «کمپین خلع سلاح هسته‌ای»<sup>17</sup> بود (هرچند که مانیفست حزب کارگر سیستم هسته-ای پرهزینه و آماده‌به‌جنگ تریدنت<sup>18</sup> را حفظ کرد) و هم از اعضای برجسته «ائتلاف جنگ را متوقف کنید»<sup>19</sup> (هرچند کوربین در مورد بمباران سوریه یک حق‌وتو آزاد ارائه کرد) (7).

درست همانطور که دستگاه انگلستان در سال 1924 به دنبال پیوند دادن حزب کارگر به بلشویک‌های «انقلابی» بود، یک اتاق‌فکر پرو-ناتو هم تحت عنوان «طرح پایداری»<sup>20</sup>، که توسط مالیات‌دهندگان بریتانیایی از راه وزارت خارجه<sup>21</sup> تأمین مالی می‌شد، به دنبال بسیج کردن یک «هیئت سینه‌زن»<sup>22</sup> بود که از روزنامه‌نگاران ضد-روسیه و پرو-ناتو تشکیل می‌شد. منسوبین طرح پایداری، با استفاده از رسانه‌های

---

Campaign for Nuclear Disarmament<sup>17</sup>

Trident<sup>18</sup>

Stop the War Coalition<sup>19</sup>

Integrity Initiative<sup>20</sup>؛ اگرچه ترجمه این کلمه‌بندی به «طرح پایداری» موجب زودده شدن نگره اخلاقی کثیف آن اتاق فکر مشمئزکننده می‌شود، اما می‌تواند با «جبهه پایداری» که در مجلس ایران کفن پوشیدند، تشابه‌ای ایجاد کند - تا بیانگر این باشد که دستورالعمل‌های پروپاگاندای راست افراطی در تمام دنیا تقریباً یک سروشکل دارد.

Foreign and Commonwealth Office<sup>21</sup>

Clusters<sup>22</sup>؛ ترجمه این عبارت به «هیئت سینه‌زن» در راستای ملاحظات مورد 20 صورت پذیرفته است.

جریان اصلی (هیئتِ سینه‌زنان)، دانشگاهیان را «بدنام» کردند؛ زیرا دانشگاهیان آن - موقع جنگِ کثیف در سوریه - تحت رهبری ایالات متحده - را مورد تردید، پرسش و بحث قرار می‌دادند (8).

این «هیئتِ متشکل از سینه‌زنان»، علیه کوربین هم دست به ارائه مدارک جعلی زدند تا به او اتهامِ دروغین وارد کنند. به عنوان مثال: لیام فاکس، وزیر دفاع سابق و وابسته به حزب محافظه‌کار، با متوسل شدن به ترم مانوس و مألوفِ «طرح پایداری»، کوربین را به‌عنوان یکی از «اسکول‌های مورد استفاده<sup>۲۳</sup>»ی روسیه شوروی معرفی کرد تا او را بدنام کند. در این مورد رسانه‌های جریان اصلی به‌طور محض دستورالعمل‌های گسترده‌ی طرح پایداری را به اشتراک گذاشتند و هرگز با ادعای فاکس مقابله نکردند. آنها هرگز برای لحظه‌ای هم گزارش نکردند که فاکس سال‌ها قبل چرا مجبور به استعفاء شد؟ گفته می‌شود او با استخدام دوستش آدام وریتی، امنیت ملی را به خطر انداخت (9).

### دموکراسی؟ کدام دموکراسی؟

دستگاه نظامی انگلستان هم، نظیر شبکه‌های ناتو (طرح پایداری)، کوربین را مورد حمله قرار داد. در این مورد هم تشابهات تاریخی وجود دارد. عموم مردم انگلستان به‌واسطه سیستم آموزشی، رژیم پروپاگاندا و فرهنگ عمومی، برحسب عادت بر این باورند که کشور بر قاعده دموکراسی عمل می‌کند چراکه در آن عموم مردم دولت را انتخاب می‌کنند.

واقعیت این است که انگلستان یک پادشاهی مشروطه بدون قانون اساسی مکتوب است: (برخلاف جمهوری‌های فرانسه یا ایالات متحده)، تاجوتخت با قدرت مطلق بالقوه<sup>۲۴</sup> از طریق مکانیسم‌هایی که گاهاً پارلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (اختیارات سلطنتی)، حکومت می‌کند (10).

---

useful idiot[s]<sup>23</sup>

انباشته و پنهانی<sup>24</sup>

این واقعیت که ارتش، سرویس‌های مخفی-امنیتی، پلیس، دادگاه‌ها و حتی سازوکارهای قاعده‌مند حکومتی در خدمت «او» [مذکر] یا «علیاحضرت» هستند، به این معناست که بر اساس اختیارات انحصاری، می‌توان به این نهادها اجازه داد تا خارج از موازین قانونی عمل کنند، زیرا قانون متعلق به تاج‌وتخت است. (امروزه این امر طوری جلوه می‌کند که گویا فقط به نمایندگی از ملکه یا به نام ملکه صورت گرفته‌است، اما عملاً اختیارات انحصاری توسط وزرای دولت جامعه عمل پوشانده می‌شوند، و در آن مواردی هم که ملکه خود شخصاً اقدام می‌کند هم، تنها در راستای وزرا عمل کرده-است؛ و این در حالی‌ست که باطن ماجرا چیز دیگری است) (11).

به عنوان مثال: در اواسط دهه 2000، دهه‌ها پس از آن که انگلیسی‌ها (در دهه‌های 1960 و 1970) چاگوسی‌ها را (که در جزایر چاگوس زندگی می‌کردند) از وطن خود اخراج کردند تا راه را برای پایگاه نظامی ایالات متحده باز کنند، قضات دادگاه عالی چنین تصمیمی را گرفتند: چاگوسی‌ها حق دارند به شصت و پنج جزیره خود بازگردند. اما به رغم این، دولت از اختیارات سلطنتی استفاده کرد تا تصمیم دادگاه عالی را لغو کند و ساکنان جزیره را از بازگشت به وطن باز دارد (طبق گزارش بی‌بی‌سی، کوربین «از حامیان دیرینه»ی چاگوسی‌ها بوده‌است). در برابر اینگونه نقض قوانین ملی و بین‌المللی (محروم کردن «رعیت‌های» بریتانیا از سرزمین‌شان و نقض منشور سازمان ملل) هیچ عواقب قانونی وجود نداشت. بنابراین، نقش سلطنت، و اختیاراتی که به نام «او» به وزرای دولت اعطا می‌شود، چیزی بیش از یک «جاذبه گردشگری»<sup>25</sup> است (12).

در طول دهه 1960، ام‌آی 5 و جیمز ژسوس انگلتون (رئیس سازمان ضد-جاسوسی سیا)، از هارولد ویلسون (نخست‌وزیر و متعلق به حزب کارگر) جاسوسی می‌کردند، زیرا عناصر موجود در آن آژانس‌ها به چنین چیزی اعتقاد داشتند: ویلسون یا آجنت

شوروی است یا گره‌بگیر برای شوروی است.<sup>۲۶</sup> اما خاستگاه سوزش عناصر امنیتی انگلستان و آمریکا جای دیگری بود: سیاست‌های ویلسون ثروت را به‌طور متواضعانه توزیع می‌کرد.

در سال 1968، سیسیل کینگ<sup>۲۷</sup> (کارخانه‌دار) برای جایگزین کردن ویلسون با یک شخصیت فاشیست در تیپ *آسوالد ماسلی*، یک توطئه را طراحی کرد. کینگ از *گرد مونت‌باتن* حمایت می‌کرد که رئیس ستاد دفاع بود و اخیراً هم بازنشسته شده بود و دایی شاهزاده فیلیپ نیز بود. برخی از اعضای خانواده *مونت‌باتن* با اعضای *نازی‌های آلمان* در ارتباط بودند (13).

در دهه 1970، افسران سابق نیروهای ویژه بریتانیا یک شبکه پارتیزانی مخفی و مستقر در بریتانیا به نام ستون 88 (متشکل از نئو-نازی‌ها) را آموزش دادند. وظیفه این گروه این بود که در صورت *تهاجم شوروی* وارد عمل شود. اما این شبکه مخفی یک کارکرد دیگر هم داشت: مبارزه با کارگران اعتصابی و شاخ‌شدن برای *جناح چپ*. به عنوان مثال: *تونی بن* (نماینده برجسته حزب چپ) مدام می‌ترسید که مبادا توسط یک واحد مستقل از نیروهای *ستون 88* به نمایندگی از *ام‌ی 6* به قتل برسد (14). هنگامی که ویلسون در دهه 1970 دوباره به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد، *ام‌آی 5* یک تشکیلات پروپاگاندا را (با اسم رمز «*پرتغال کوکی*»<sup>۲۸</sup>) علیه او به راه انداخت. *دیوید استرلینگ* بنیان‌گذار *سرویس هوایی ویژه* و *برایان کروزیئر*<sup>۲۹</sup> (افسر اطلاعاتی سابق)، و شبه نظامیان خصوصی مرتبط با تأمین‌کنندگان مالی (سرمایه‌داران)، ظاهراً با حمایت ضمنی *الیزابت شهبانوی مادر (الیزابت بوز-لیون)* برکناری ویلسون را بررسی کردند. در دهه 1930 (به گفته *مورخ کارینا اورباخ*<sup>۳۰</sup>)، به نظر می‌رسید که

---

<sup>26</sup> منظور این است که ویلسون یک شانتاژگر گماشته شوروی است.

<sup>27</sup> Cecil King

<sup>28</sup> Clockwork Orange

<sup>29</sup> Brian Crozier

<sup>30</sup> Karina Urbach



بووز-لیون از نزدیک بودن به دوک کوبورگ، («یک نازیِ سرسختِ خاص») بدش نمی‌آید. اورباخ در اظهارنظری برای گاردین، کوبورگ را یک دوک «آنگلو-آلمانی»<sup>۳۱</sup> و دانش‌آموختهٔ مدرسهٔ ایتون<sup>۳۲</sup> توصیف کرد که در دهه 1920 «ابتدا از یک سازمان-بندیِ تروریستیِ دستِ راستی در آلمان حمایت کرد و سپس به هیتلر کمک کرد تا به قدرت برسد» (15).

در سال 1974، ارتش به طور غیرمنتظره فرودگاه هیترو<sup>۳۳</sup> لندن را تصرف کرد تا به ویلسون ثابت کند که اینجا قدرت دستِ کیست. در سال 1976، ویلسون از سمت نخست وزیری استعفا داد. به گفتهٔ جاناتان فریدلند<sup>۳۴</sup> (روزنامه‌نگار در گاردین)، ویلسون پنج هفته پس از استعفایش «دو خبرنگارِ بی‌بی‌سی را فرامی‌خواند تا به صورتِ محرمانه دربارهٔ طرحِ توطئه‌ای که بر علیه‌اش در جریان بود، به آنها بگوید» (16).

### طرح توطئه علیه کوربین

پیش به سوی سال 2015: به‌طور گسترده در رسانه‌ها نقل شد که یک ژنرال ارشدِ فاقدنام می‌گوید: در صورتی که کوربین توانایی‌های هسته‌ای انگلستان را کاهش دهد، یا از ناتو خارج شود، یا ظرفیت نیروهای مسلح را کاهش دهد، وزارت دفاع می‌تواند دست به یک شورش بزند. چند ماه بعد: ژنرال سرنیکلاس رینولدز هوتون (رئیس ستاد دفاع) با یونی‌فرمِ نظامی، همراه با مدال‌ها و درجاتِ مربوطه، در حالی در بی‌بی‌سی نشان داده شد که در حالِ گفتن این جمله بود: «موضع ضد-هسته‌ای کوربین «اعتبار» انگلستان را خدشه‌دار می‌کند» (17). (یادآوری مجدد: مانیفستِ حزب کارگر، تردنت را حفظ کرد).

---

Anglo-German<sup>31</sup>

an old Etonian<sup>32</sup>

Heathrow Airport<sup>33</sup>

Jonathan Freedland<sup>34</sup>

در اکتبر 2017: استلا ریمینگتون<sup>35</sup> (مدیر سابق ام‌آی 5) ادعا کرد که برخی از حامیان مردمی کوربین (ممنتوم<sup>36</sup>)، در دهه‌های گذشته در فهرست نظارت سازمان ام‌آی 5 بوده‌اند. 2018: سر ریچارد دیرلاو<sup>37</sup> (مدیر سابق ام‌آی 6) گفت: من بخاطر انجمن‌های سیاسی کوربین «دلواپس» هستم. در سال 2018: ام‌آی 6 از ترس انتخابات زودهنگام، کوربین را به مقرر خود احضار کرد. یک منبع ناشناس گفت: «زمان آن رسیده که آقای کوربین با عملکرد دستگاه امنیتی-اطلاعاتی نیز آشنا شود» (18).

در آوریل 2019: اعضای گردان سوم هنگ چتر نجات<sup>38</sup>، چندین مرتبه از تصویر کوربین به‌عنوان هدف جهت تمرین یورش به هدف استفاده کردند. وزارت دفاع با صدور بیانیه‌هایی این اقدامات را محکوم کرد. سربازان تنبیه شدند اما حق ماندن در ارتش از آنها گرفته نشد. تیم کالینز (سرهنگ سابق رویال ایریش<sup>39</sup>)، در پاسخ به این امر، چنین واکنش نشان داد: کوربین «اهل اینجا نیست، او یک مارکسیست خارجی است»، او از ارتش ما متنفر است، او طرفدار ارتش جمهوری اسلامی ایران است. کمی قبل از انتخابات عمومی در دسامبر 2019: دیرلاو در روزنامه میل آن ساندی<sup>40</sup>، کوربین را چنین توصیف کرد: «او برای کشورمان یک خطر حی و حاضر است» (19).

### تقویت‌کننده‌های رسانه‌های جریان اصلی

با وجود اینترنت و در دسترس‌بودگی اخبار آلترناتیو اما، همچنان قدرت‌مندترین منبع اخبار از منظر دسترسی مخاطبان، رسانه‌های جریان اصلی هستند. رسانه‌های انگلیسی تحت مالکیت و کنترل یک مشت شرکت‌های غول‌پیکر و صاحبان منافع خاص<sup>41</sup> اداره

Stella Rimington<sup>35</sup>

Momentum<sup>36</sup>

Sir Richard Dearlove<sup>37</sup>

3rd Battalion, Parachute Regiment<sup>38</sup>

Royal Irish<sup>39</sup>

Mail on Sunday<sup>40</sup>

special interests<sup>41</sup>

می‌شوند. این رسانه‌ها هم، مانند جهت‌گیری‌های طیف‌های سیاسی، به شدت به سمت راست حرکت کرده‌اند، به‌ویژه به دلیل کاهش درآمدِ اتاق‌های خبر، تعدیل نیروها و فشارِ ایدئولوژیک (20).

همانطور که جان پیلگر گفته‌است: «اکثر روزنامه‌نگاری‌های «جریان اصلی» با سیستم‌های سازمانی و به اصطلاح امنیت ملی متحد شده‌اند؛ در واقع سیستم‌هایی که بر غرب، و به ویژه بر ایالات متحده و انگلستان حاکم است. آن زمان در جایی کار می‌کردم که به «خیابان فلیت»<sup>۴۲</sup> معروف بود، مطبوعات آن موقع محافظه‌کار بودند اما فضاهایی برای کارهای متفاوت، مخالف و برای ابرازِ طیفِ خاصی از دیدگاه‌ها وجود داشت. این ترغیب‌کننده بود؛ امروز اما فضاها را بسته‌اند و این باعث شده تا روزنامه‌نگارانِ تاپ یا آنلاین‌نویسی کنند، یا در نشریات خارجی بنویسند، یا سامیزدات<sup>۴۳</sup> کنند و یا اصلاً دیگر ننویسند» (21).

نتیجه: رسانه‌ها پروپاگاندای پیشرفته‌ی مطابق با موازینِ نخبگانِ قدرت را تقویت کردند. تحقیقات گسترده‌ای که مت کنارد<sup>۴۴</sup> انجام داده، نشان‌دهنده‌ی این است که عناصر بخش‌های «امنیتی»<sup>۴۵</sup> انگلستان، چگونه رسانه‌های خبری را به منظورِ اقدام علیه کوربین آماده کرده‌بودند؛ همه آنها باید می‌گفتند که کوربین یک تهدیدِ احتمالی است. در سپتامبر سال 2015 پس از اینکه کوربین به عنوان رهبر حزب کارگر روی کار آمد، «مقامات ارتش و سازمان اطلاعاتی-امنیتی انگلستان» (از جمله اعضای سابق و فعلی ارتش، نیروی دریایی و نیروهای ویژه، و همچنین ام‌آی 6 و ام‌آی 5) و یک کارمندِ ارشدِ دولتی سابق، همه و همه «منابعِ حداقل 34 خبرِ مهم در رسانه ملی بودند: همه جرمی

---

Fleet Street<sup>42</sup>

Samizdat<sup>43</sup> یا «خود-انتشاری» یک اصطلاح روسی است. سامیزدات (به روسی: самиздат، به معنای «انتشار خود») شکلی از فعالیت مخالفان در سراسر بلوک شرق سوسیالیستی بود که در آن افراد، نشریات موقتی سانسور شده و زیرزمینی را اغلب با دست بازتولید می‌کردند و اسناد را از خواننده به خواننده منتقل می‌کردند. [چیزی شبیه به همان روشِ «سینه به سینه» که حزب توده ایران هم از آن استفاده می‌کرد].

Matt Kennard<sup>44</sup>

کوربین را به‌عنوان خطری برای امنیت ملی انگلستان معرفی کردند». چنین داستان‌هایی تقریباً هر شش هفته یک بار منتشر می‌شدند، و «در طول مبارزات انتخاباتی عمومی در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ با افزایش‌های ناگهانی چشمگیر» نیز مواجه می‌شدند. بر اساس گزارش کنارد، نه‌تنها هر داستان عملاً در چهار روزنامه دیلی تلگراف، تایمز، دیلی میل یا سان منتشر می‌شدند، بلکه نشانه‌های قوی‌ای هم وجود داشت، مبنی بر اینکه مقامات اطلاعاتی خود (به‌عنوان سهمی از آنچه که مشخصاً یک تشکیلات پروپاگاندا بود) اسناد محرمانه‌ای را در اختیار خبرنگاران قرار می‌دادند. مطالعه بیشتر کنارد چنین نشان می‌دهند: روزنامه‌های جناح راست مانند محافظه انعکاس<sup>۴۵</sup> آژانس‌های اطلاعاتی-امنیتی و نظامی انگلستان عمل می‌کنند، و به‌همین خاطر قادرند بر دیگر رسانه‌های خبری چاپی ملی نیز تأثیر بگذارند؛ همین امر باعث می‌شود که اغلب‌شان داستان‌ها را همگام با اعلامیه‌های وزرای محافظه‌کار منتشر کنند. در گزارش کنارد آمده است: «تحقیق ما 440 مقاله را در مطبوعات انگلستان از سپتامبر سال 2015 یافته، که تماماً و به‌طور خاص، کوربین را به عنوان «تهدیدی برای امنیت ملی» خطاب کرده‌بودند» (22).

ظرف مدت‌زمانی که کوربین رهبر حزب کارگر بود (بین سال‌های 2015 تا 2019)، گفتمان‌های رسانه‌ای با گفتمان نخبگان (که در بالا به آنها اشاره شد) همسو و هماهنگ بوده‌اند. در واقع مطالعات آکادمیک تأییدکننده این امر هستند که رسانه‌های جریان اصلی انگلستان هنگام گزارش‌دادن درباره کوربین و حزب کارگر در میان طیف‌های سیاسی انحراف و سوگیری‌های ایدئولوژیکی داشته‌اند.

در مطالعه‌ای که توسط «مدیا رفورم کوالیشن»<sup>۴۶</sup> صورت گرفت، چگونگی گزارش-دهی‌های مطبوعات انگلستان درباره اولین هفته رهبری حزب کارگر به دست کوربین،

---

<sup>45</sup> echo chamber یعنی فضایی که در آن می‌توان تنها با آراء و عقاید منطبق بر عقاید خود روبه‌رو شد، و از همین رو دیدگاه‌های موجود (دیدگاه‌های از خود) تقویت می‌شوند و در نتیجه ایده‌های آلترناتیو یا از نظر دور می‌گردند و یا اینکه اصلاً در نظر گرفته نمی‌شوند.

در سپتامبر سال 2015 ارزیابی شد. آنها از این مطالعه چنین دریافتند: «از مجموع 494 خبر، کامنت و مقاله، 60٪ (296 مقاله) موضع منفی داشتند، 13٪ (65 مقاله) مواضع مثبت داشتند و 27٪ (133 مقاله) هم موضع خنثی<sup>47</sup> داشتند. علاوه بر این، مطالعات مذکور، مدلل‌کننده این امر نیز بودند: چگونه مطبوعات الگوهایی رفتاری پروپاگاندا را منتشر کردند؛ الگوهایی که کوربین را به عنوان فردی عنان‌گسیخته، اقتدارگرا و خطرناک برای جامعه توصیف می‌کردند. این مطالعه نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از پوشش‌های خبری، کوربین را چنین بازنمایی کرده: «چپ/کارگر جدا از واقعیت، دور از ارتباط با افراد «واقعی»، خواه از افراد طبقه متوسط خواه از افراد طبقه کارگر». همزمان بخش دیگری از این مقالات کوربین را اینگونه توصیف کردند: «خطر کوربین، خطر ناشی از چپ یا «چپ فقیر» است. آنها در ذهن مردم چنین تصوراتی را بوجود آوردند: سوسیالیسم امر ضد-دمکراتیک است». جای تعجب نیست که بخش دست راست مطبوعات، کوربین را به عنوان «تهدیدی برای امنیت ملی» معرفی کردند و در همین اثناء «مسائل مربوط به میهن پرستی» را هم مطرح کردند. یکی دیگر از تم‌هایی که مطبوعات جناح راست بر آن متمرکز بودند «درباره افراط-گرایی یا تروریسم و خطاب کردن کوربین به عنوان دشمن انگلستان» بود. در واقع آنها دوست داشتند که اینگونه نشان دهند: «متحدان کوربین ممکن است بخواهند «یک جنگ داخلی را آغاز کنند و یا دست به براندازی ساختارهای یک جامعه شایسته و پراگماتیک بزنند». این مطالعه به این نتیجه رسید: تصویری که توسط مطبوعات ترسیم شده است، «هم حمایت مردمی کوربین در کشور را نادیده گرفته‌اند و هم افزایش اعضای حزب کارگر را اصلاً ندیده‌اند» (23).

مطالعه دیگری در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن، چگونگی گزارش‌دهی‌های مطبوعات انگلستان درباره کوربین را از اول سپتامبر تا اول نوامبر سال 2015 ارزیابی کرد.

---

<sup>47</sup> بی‌طرفانه

بر اساس این گزارش «بازنمایی کوربین توسط مطبوعات انگلستان به طور غیرمنصفانه و از طریق فرآیندی بسیار توهین‌آمیز صورت پذیرفته که بسیار فراتر از آستانه معمول بحث‌های منصفانه و اختلاف نظرها در یک فضای مبتنی بر دموکراسی بوده است». در این مطالعه مضامینی از این دست پدیدار است: صدای کوربین اغلب «در گزارش‌های مربوط به او حذف شده و منابعی که مخالف کوربین بوده‌اند بیشتر از منابعی بودند که از او و مواضعش حمایت می‌کردند». کوربین «به طور سیستماتیک در روزنامه‌های قطع بزرگ و مطبوعات زرد، آنقدر مورد تحقیر و تمسخر قرار گرفته بود که گویا هیچ رهبر سیاسی دیگری جز او و شبیه به او وجود نداشته و ندارد». مطبوعات به طرز مشکوکی و «مکرراً کوربین را به تروریسم ربط می‌دادند و او را برای دشمنان انگلستان یک «رفیق» خطاب می‌کردند». این مطالعه، پیش‌گرفتن چنین شیوه‌هایی از سوی مطبوعات برای زدن کوربین را تاکتیک «مشروعیت‌زدایی»<sup>48</sup> از طریق «پیوند»<sup>49</sup> [دادن دروغین شخص (کوربین) به این و آن] «نامید - همان ابزار همیشگی معروف جذاب برای پروپاگاندا. مشروعیت‌زدایی از طریق پیوند در این مورد خاص بدین معناست: بی‌اعتبار ساختن سیمای کوربین از طریق «توصیف ایده‌هایش در مقام ایده‌های یک آدم از جادو گرفته یا خل‌وضع، و همچنین توصیف خود او به عنوان کسی که نه تنها رفیق تروریست‌هاست بلکه به طور محض خود فردی خطرناک و حتی شیطان‌صفت نیز است». چنین گزارش‌دهی‌هایی پیامدهای جدی برای دموکراسی دارد؛ از آنجایی که به مردم انگلستان «فرصت منصفانه‌ای داده نشد تا درباره رهبر اپوزیسیون اصلی کشور دودوتا چهارتا کنند» (24).

---

delegitimization<sup>48</sup>

<sup>49</sup> Association یا تداعی، یا پیوند، اینجا معنایی خاصی دارد؛ به طور محض برای فهم ایرانیان: «عملی که زیرآب شخصی یا فردی را از طریق ربط‌دادن او به این و آن میزند و یا با برچسب‌زدن به او ...». در واقع این عمل قادر است در اذهان عمومی خیالات و یا تصوراتی دروغین و جعلی از قربانی (یا هرکس یا چیزی که مورد این گونه از حمله است) بسازد.

## بهدستی‌زی

سال 2016: مطالعه‌ای توسط جاستین شلوسبرگ<sup>۵۰</sup> از کالج بیربک-دانشگاه لندن<sup>۵۱</sup>، انجام شد که به پوشش خبری رسانه‌های آنلاین و تلویزیونی انگلستان دربارهٔ حزب کارگر بین 27 ژوئن تا 6 جولای 2016 پرداخته‌است؛ یعنی پس از طیف وسیعی از استعفاهای کابینه در سایه (465 گزارش‌دهی خبری آنلاین از هشت سازمان، و 40 بولتن خبری تلویزیونی در ساعات پربیننده در بی‌بی‌سی<sup>۱</sup> و آی‌تی‌وی<sup>۵۲</sup>). این مطالعه که توسط مدیا رفورم کوالیشن هم منتشر شد، نشان‌دهندهٔ چنین چیزی بود: «بولتن‌های خبری عصر بی‌بی‌سی، به منابع منتقد کوربین تقریباً دو برابر بیشتر زمان خالص جهت پرنزاسیون داده، در مقایسه با منابعی که از کوربین حمایت کردند؛ این در حالی است که آی‌تی‌وی به صداها مخالف به‌طور قابل‌توجه‌ای زمان بیشتری را اختصاص داده بود». روزنامه‌هایی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند: «هم منابع موافق با مخالفت‌ورزی با رهبری کوربین، و هم آنهایی که از طریق تاکتیک پیوند از او اعتبارزدایی کردند، و هم روزنامه‌هایی که حتی ظاهراً طرفدار حزب کارگر هستند (مانند «گاردین» و «میرر»<sup>۵۳</sup>)؛ همه پست رسمی را سرمقاله کرده بودند: «کوربین استعفا می‌دهد» (لازم به ذکر است که روزنامه گاردین به‌طور اختصاصی در مبارزه علیه کوربین نقش مهمی داشت). یک تحلیل کیفی چنین نشان داد: «در رسانه‌ها دربارهٔ رهبری حزب کارگر و حامیان آن به‌طور مداوم با عباراتی صحبت می‌شد که بر کین‌توزی، سازش‌ناپذیربودگی سیاسی و مواضع افراطی آنها تأکید داشته»<sup>۵۴</sup>. حتی زمانی هم که به نظر می‌رسید پوشش رسانه‌ای غیر-مغرضانه است، «منابع طرفدار کوربین در بیشتر موارد به حملات و انتقادات اعضای حزب کارگر در پارلمان واکنش عصبی نشان می‌دادند. این امر «نشان‌دهندهٔ یک کج‌نگاهی زیربنایی از سوی آن شورای

Justin Schlosberg<sup>50</sup>

Birbeck, University of London<sup>51</sup>

ITV<sup>52</sup>

Mirror<sup>53</sup>

<sup>54</sup> منظور این است که این صفات را به آنها پیوند داده‌اند (همان تاکتیک پیوند)

سردبیری بوده است که نه تنها با روح رسانه‌ای و بلکه با دستورالعمل‌های خود بی‌بی‌سی درباره بی طرف‌بودگی اخبار و تعادل اخبار هم مطابقت نداشته است» (25).

بخش مهمی از آنچه رسانه‌ها علیه کوربین به جریان انداخته بودند، مربوط می‌شد به جنجال‌های گسترده درباره یهودستیزی در حزب کارگر. شواهد موجود نشان می‌دهند که یهودی‌ستیزی و نژادپرستی در حزب کارگر در همان مقیاسی به رویت رسیده که در حزب محافظه‌کار و عموم مردم بریتانیا نیز رویت‌پذیر بوده است (فقط در حزب کارگر میزان کمتری داشته است). البته یهودستیزی مشکل مهمی است که باید به طور کامل و جامع با آن برخورد کرد. حقیقت این است که رسانه‌ها به سختی علاقه‌مند به گزارش‌دهی واقعی درباره پیامدهای اجتماعی یهودستیزی و چگونگی تأثیر آن بر احزاب سیاسی و جامعه هستند. برای مثال: رسانه‌ها همیشه و بلااستثناء سوابق کوربین را نادیده گرفتند؛ جرمی کوربین، یک مبارز راستین، کسی که به معنای واقعی کلمه دهه‌ها بر علیه نژادپرستی و بر علیه یهودستیزی فعالیت کرده است، آنها یهودستیز معرفی‌اش کردند. این واقعیت کاملاً مشهود است که رسانه‌ها به پیشروی یک تشکیلات حقیرانه تن دادند، آن‌هم با بله قربان‌گویی و با معرفی کردن حزب کارگر تحت رهبری کوربین، به عنوان یک دستگاه منحصراً ضد-یهود (26).

گریگ فیلو<sup>55</sup> و مایک بری<sup>56</sup> در کتاب «اخبار بد برای کارگر: یهودستیزی، حزب و اعتقاد عمومی<sup>57</sup>» چنین نوشتند: «جست‌وجو در هشت روزنامه ملی نشان می‌دهد که از 15 ژوئن سال 2015 تا 31 مارس سال 2019، به تعداد 5497 خبر درباره پیوند دروغین کوربین، با یهودستیزی و حزب کارگر منتشر شده است». وانگهی، «این موضوع مداوماً و به‌طور گسترده در تلویزیون و در رسانه‌های جدید و رسانه‌های اجتماعی نیز پخش شد». «اخبار بد برای کارگر...» از طریق پیوند دادن گفتمان رسانه‌ای به نظرسنجی ملی و به نظرسنجی‌های گروهی متمرکز، گزارش‌دهی‌های رسانه‌ای خود را

Greg Philo<sup>55</sup>

Mike Berry<sup>56</sup>

Bad News for Labour: Antisemitism, the Party & Public Belief<sup>57</sup>



با آگاهی عمومی از وجود یهودستیزی در حزب کارگر زمینه‌یابی کرده‌است. اگرچه در این بازی مسلماً طیف متنوعی از فاکتورها وجود داشت که می‌توانست آگاهی عمومی را نسبت به وجود یهودستیزی در حزب کارگر و نسبت به سایر نقصان‌های حزب کارگر بالا ببرد، اما از آنجایی که این گفتمان رسانه‌ای تنها منجر به ایجاد یک تصویر حزبی آلوده به یهودستیزی برای عموم شده، پس باید گفت که بسیار گفتمان وخیم و ناگواری بوده‌است. یکی از یافته‌های قابل توجه کتاب این بود که «به طور متوسط مردم معتقد بودند که دلیل گزارش‌دهی بر علیه یک سوم از اعضای حزب کارگر، همگی به یهودستیزی مربوط بوده‌است»، اما این در حالی‌ست که این «آمار در واقعیت بسیار کمتر از 1 درصد است». نویسندگان نتیجه گرفتند که این «اختلاف بزرگ میان آگاهی عمومی و آمار واقعی گزارش‌شده»، را «باید به عنوان یکی از بدترین فاجعه‌های روابط عمومی بازشناسی کرد، که تا به حال به ثبت رسیده‌است» (27). دیوید برودر ارزیابی بیشتری از این موضوع ارائه داده؛ او چنین گفته: «با وجود تمام تیتراهای درشت مربوط به «افزایش یهودستیزی» در حزب کارگر، ما اما به ندرت میزان آن را درک می‌کنیم». داده‌های منتشرشده توسط این حزب در فوریه 2019 نشان می‌دهد که از آوریل 2018 تاکنون 1106 شکایت خاص در مورد یهودستیزی دریافت کرده‌است که از این تعداد تنها 673 نفرشان از اعضای واقعی حزب کارگر بوده‌اند. تعداد اعضای حزب بیش از نیم میلیون نفر است: این ادعاها، حتی اگر درست هم باشند، تنها حدود 0.1 درصد از کل را شامل می‌شود (28).

تعداد قابل توجهی از داستان‌های رسانه‌ای که درباره یهودستیزی کوربین و حزب کارگر منتشرشده است، تماماً حاوی اطلاعات نادرست بوده‌اند. جاستین شلوسبرگ و لورا لیکر<sup>58</sup> برای مطالعه‌ای که در سپتامبر سال 2018 منتشر شد، تعداد 250 خبر از سرویس‌های ارائه‌دهنده بزرگ آنلاین و تلویزیونی انگلستان را برای مدیا رفورم کوالیشن مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه «29 نمونه از اظهارات یا ادعاهای

نادرست» را شناسایی کرد، که برخی از آنها «توسط خود مجریان یا خبرنگاران مطرح شده بودند»، و «6 مورد از آنها در برنامه‌های خبری تلویزیون بی‌بی‌سی و 8 مورد هم در وبسایت گاردین<sup>59</sup> منتشر شده بودند». وانگهی این مطالعه «66 مورد واضح دیگر از پوشش «رسانه‌ای-خبری»ی گمراه‌کننده یا تحریف‌شده را نشان داد که شامل نقل‌قول‌های نادرست، تکیه بر روایات یک منبع واحد، حذف حقایق اساسی و حذف حق پاسخ بوده‌اند. باید اضافه کرد که علاوه بر این موارد حتی شامل مفروضاتی بوده‌اند که توسط پخش‌کننده‌ها به صورت بدون سند و یا بدون شرح وضعیت لازم منتشر شده بودند». این تحقیق به این نتیجه رسید که «حداقل یک چهارم از نمونه مورد مطالعه، دارای یک عدم دقت یا تحریف مستند بوده است». علاوه بر این، یک «عدم توازن منکوب‌کننده در منبع (به ویژه در اخبار تلویزیونی) روئیت می‌شود که در آن صداهایی که از قوانین رفتاری حزب کارگر انتقاد می‌کردند، مرتباً به آنها یک پلتفرم بدون هزینه و انحصاری اختصاص داده شده بود. علاوه بر این «تعداد آن پلتفرم‌هایی که از حزب کارگر انتقاد داشتند 4 برابر تعداد پلتفرم‌هایی بوده که از حزب کارگر دفاع می‌کردند». این را هم به این واقعیت اضافه کنید که «تقریباً نیمی از گزارش‌های گاردین در مورد مناقشات مربوط به منشور رفتاری حزب کارگر، هیچ منبع نقل‌شده‌ای را در دفاع از حزب یا رهبری نشان نداده است» (29).

## انتخابات 2017 و 2019

مطالعات دیگری، چگونگی به‌تصویر کشیده‌شدن کوربین و حزب کارگر را در طول انتخابات عمومی در سال‌های 2017 و 2019 به‌روشنی مدلل کرده‌است. ترزا می، نخست‌وزیر محافظه‌کار وقت، در سال 2017، انتخاباتی زودهنگام برگزار کرد که در نتیجه آن، حزب محافظه‌کار 13 کرسی از پارلمان را از دست داد و این در حالی بود که حزب کارگر 30 کرسی به دست آورد. این نتیجه شگفت‌انگیز منجر به تشکیل

یک دولت محافظه‌کار در اقلیت گردید. به همین خاطر موجی از شوک را در سراسر دستگاه حکومتی انگلستان به راه افتاد؛ زیرا آنها از پیروزی احتمالی کوربین در انتخابات آینده بسیار نگران بودند. در انتخابات زودهنگام دیگری که در دسامبر 2019 برگزار شد، و به دلیل بن‌بست برگزیت در پارلمان، حزب محافظه‌کار به رهبری نخست‌وزیر وقت بوریس جانسون (که پس از استعفای ترزا می در جولای 2019 توسط حزب خود انتخاب شد) با اکثریت (80 کرسی پارلمان) به پیروزی قاطع دست یافت. در مجموع، حزب محافظه‌کار 48 کرسی به دست آورد و حزب کارگر 60 کرسی را از دست داد.

کوربین با امتناع کردن از اتخاذ یک موضع شفاف درباره برگزیت، ناتوانی در مقابله با ادعاهای گزینشی و تحریف‌شده یهودستیزی توسط تشکیلات پروپاگاندای ضد-چپ، و اخراج نکردن کسانی که در حزب کارگر به‌طور علنی به او حمله می‌کردند، مسلماً در این انتخابات به حزب کارگر آسیب زد (30)؛ این را هم به این واقعیت اضافه کنید که در این اثناء حتی یک لحظه هم از شدت و سرعت تهاجم رسانه‌ای ضد-کوربینیسم کم نشد.

نتایج انتخابات سال 2017 و 2019 با الگوهای گزارش‌دهی رسانه‌ها همساز بود. آنطور که مطالعات گروهی از محققان دانشگاه لافبورو نشان می‌دهند، گزارش‌دهی درباره کوربین و حزب کارگر در طول مبارزات انتخاباتی سال 2019 در مقایسه با سال 2017 حتی منفی‌تر نیز بوده‌است؛ این به ویژه درباره مطبوعات صادق است. بر اساس چیزی که این مطالعه بدست می‌دهند، «بازی‌های حقیرانه مطبوعاتی علیه حزب کارگر در سال 2019 بیش از دو برابر سطوح شناسایی‌شده در سال 2017 بوده» و این در حالی است که «پوشش رسانه‌ای منفی درباره محافظه‌کاران به نصف کاهش یافته بود». گذشته از این، در آخرین هفته از مبارزات انتخاباتی سال 2019، مطبوعات میزان پروپاگاندای مثبت برای حزب محافظه‌کار را افزایش دادند؛ همین امر به طبع درباره

حزب کارگر به همان اندازه منفی نیز بود. پروفیسور دیوید دیکن<sup>۶۰</sup> (یکی از اعضای گروه محققان دانشگاه لافبورو) در یک بیانیه مطبوعاتی چنین اظهار داشت: «نتایج ما نشان می‌دهند که حزب کارگر اگرچه در انتخابات عمومی سال 2017 مسیر سختی در انتظارش بود، اما این مسیر صعب‌العبور در مقایسه با مبارزات انتخاباتی سال 2019 تنها یک جاده آسفالت به شمار می‌رود» (31).

اما در مجموع کار، تلویزیون انگلستان در هر دو انتخابات پوشش تلویزیونی بی‌طرفانه-ای را در دستور کار خود داشت<sup>۶۱</sup>. به عنوان مثال: تحقیقات لافبورو نشان می‌دهد که در انتخابات سال 2017، اگرچه منابع حزب محافظه‌کار بیشترین میزان برجستگی را در گزارش‌دهی‌های تلویزیونی کسب کردند، اما این میزان تنها کمی بیشتر از برجستگی کسب‌شده توسط منابع حزب کارگر بوده‌است. در انتخابات 2019، تصویر عرضه‌شده از سوی تلویزیون از دو طرف تقریباً مشابه بود. به عنوان مثال: در هفته اول مبارزات انتخاباتی، «پوشش تلویزیونی از حزب محافظه‌کار و حزب کارگر، با یکدیگر «تقریباً-مساوی» بود (33 درصد در مقابل 32 درصد)» (32).

اما جالب اینجاست که این توازن کمی متعارف در عرضه منابع توسط پوشش رسانه‌ای، نشانگر گزارش‌دهی منصفانه یا دقیق نیست. در واقع، علیرغم شامل شدن تعداد «تقریباً-مساوی» انتشار صداها، هر دو حزب اصلی در چرخه انتخابات سال 2019، پوشش تلویزیونی باهم علیه کوربین و حزب کارگر عمل کرده‌است.

گزارش‌های تلویزیونی لزوماً صحت بیانیه‌های عرضه‌شده توسط سیاستمداران را مشخص نمی‌کند. تحقیقات نشان داده‌اند که تفاوت‌های عمده‌ای میان تعداد بیانیه‌های گمراه‌کننده احزاب مختلف در طول مبارزات انتخاباتی سال 2019 وجود داشته است. به عنوان مثال: تحقیقات کارلوتا دوتو<sup>۶۲</sup> درباره ارزیابی تبلیغات احزاب سیاسی در فیس‌بوک طی چهار روز (اول دسامبر تا 4 دسامبر سال 2019) نشان داد که حدود

---

David Deacon<sup>60</sup>

<sup>61</sup> عرضه چهره طرفین کارزار به تساوی و توازن

Carlotta Dotto<sup>62</sup>

88 درصد (5952) از تبلیغات گسترده (6749) حزب محافظه‌کار، ادعاهایی در مورد خدمات بهداشت ملی، کاهش مالیات بر درآمد، و حزب کارگر بوده که توسط سازمان راستی‌آزمایی فول فکت<sup>۶۳</sup> برچسب گمراه‌کننده خورده‌اند. در مقابل، تنها 6.7 درصد از تبلیغات حزب کارگر توسط فول فکت برچسب گمراه‌کننده دریافت کرد (33).

## تحلیل پسا-انتخابات

اگر این داده‌ها بر صحتِ بیانیه‌های منتشرشده از سوی کمپین‌های عمومی دلالت داشته باشند، آنگاه احتمالاً در برنامه‌های تلویزیونی ظاهراً بی‌طرف، اختلاف یکسانی در بیانیه‌های گمراه‌کننده هر دو حزب اصلی وجود داشته است. این امر در پوشش‌دهی‌های تلویزیونی با «شواهدِ روایت‌شده<sup>۶۴</sup>» جلو رفته‌است. به عنوان مثال: محققان حوزه رسانه نظیر ایور گابر<sup>۶۵</sup> و کارولین فیشر<sup>۶۶</sup> چنین بحث کردند: اگرچه محتمل بود که در انتخابات عمومی سال 2019 انگلستان احزاب سیاسی چارچوب‌های<sup>۶۷</sup> خود را بر رسانه‌های خبری تحمیل کنند، اما «استفاده از «دروغ‌گویی/ استراتژیک<sup>۶۸</sup>» توسط محافظه‌کاران این رهیافت را به سطح جدیدی رساند». داون فاستر<sup>۶۹</sup> این موضوع را به شرح زیر مشاهده کرده‌است: «معمولاً، استراتژیست‌های سیاسی ممکن است روی متدلوژی «چرخش<sup>۷۰</sup>» کار کنند که بهترین روش برای چارچوب‌بندی ارقام و داستان‌های خبری متناسب با یک روایت خاص است؛ اما آنها در انتخابات سال 2019 این رهیافت<sup>۷۱</sup> را دیگر از رده خارج کردند و آنچه جای‌گزین کردند، چنین بود: «دیوانه‌وار

---

Full Fact<sup>63</sup>

anecdotal evidence<sup>64</sup>

Ivor Gaber<sup>65</sup>

Caroline Fisher<sup>66</sup>

frames<sup>67</sup>

strategic lying<sup>68</sup>

Dawn Foster<sup>69</sup>

Spin یا آب‌وتاب‌دادن و توجیه‌گری<sup>70</sup>

approach<sup>71</sup>

دروغ گفتن»: وزرا در تلویزیون صراحتاً فهمِ رایج از نحوه استفاده از اعداد و ارقام را زیر سوال بردند، روزنامه‌نگاران را با دروغ‌های بی‌اساس بمباران کردند، و مکرراً و صراحتاً در خصوص رهبری حزب کارگر دست به عملِ هتکِ آبرو زدند». نتیجه‌گیری گابری و فیشر چنین بود: «حزب کارگر به ازاءِ برخی از ادعاهای گمراه‌کننده مسئول هستند، اما این در حالی‌ست که، «به طور کلی، اکثریتِ قریب به اتفاقِ دروغ‌های مبارزاتی توسط حزب محافظه‌کار منتشر شد» (34).

تفسیرِ مربوط به گزارش‌دهی‌های تلویزیونی: اگرچه هر دو طرف به طورِ کلی فضای یکسانی را در گزارش‌دهی به‌خود اختصاص داده بودند، اما تعداد قابل توجه‌ای از سخنگویان محافظه‌کار از این فضا برای انتقالِ اطلاعاتِ نادرست به مردم استفاده کردند. با این حال، جای تعجب نبود که رسانه‌ها با سیاست‌های حزب کارگر و کوربین با سوءظن برخورد کنند.

گزارش‌دهی تلویزیونی همیشه در انتخاب محتوا مغرضانه بوده‌است. با ارزیابی موضوعات مختلف پوشش‌داده‌شده در تلویزیون در طول انتخابات سال 2019، تحقیقات دانشگاه لافبورو نشان داد که برگزیت، تاپیک مورد علاقه حزب محافظه‌کار، بر دستورالعمل‌های تلویزیونی سیتیره پیدا کرد و تمایل داشت تا با دستورالعمل‌های محافظه‌کاران درباره برگزیت هم‌تراز شود» (35).

مؤسسه مطالعات مالی<sup>72</sup> انتقادات شدیدی را به سوی مانیفست‌های انتخاباتی منتشر شده توسط حزب کارگر و حزب محافظه‌کار نشر داد. تحلیلی توسط جاستین شلوسبرگ (که تحقیقات دانشگاه لافبورو را هم مورد بحث قرار داده)، نشان داد که در تلویزیون انگلستان، واکنش انتقادی مؤسسه مطالعات ملی «به حزب کارگر، به تعداد 15 بار در طول 2 روز (پس از انتشار مانیفست این حزب) پوشش داده شد، و این در حالی‌ست که در خصوص حزب محافظه‌کار در طول 2 روز تنها یک بار پوشش داده شد. همین قطعه نشان می‌دهد که رسانه‌ها چگونه به طور نامتناسبی به صداهای مخالف

در هر دو حزب اشاره می‌کنند: در اوایل مبارزات انتخاباتی، *ایان آستین*<sup>۷۳</sup>، نماینده سابق حزب کارگر در حمایت از حزب محافظه‌کار تیتز یک روزنامه شد، به طوری که در هفته اول مبارزات انتخاباتی، او ششمین سیاستمدار برجسته‌ای بود که در تلویزیون به نمایش درآمد، حتی بیشتر از جو سوینسون و نیکولا استورجن، و همچنین بسیاری از فیگورهای کابینه و کابینه در سایه (طبق تحقیقات دانشگاه لافبور). در مقابل، برنامه‌های خبری تلویزیونی به سختی کن کلارک<sup>۷۴</sup> را پوشش می‌دادند - شخصیتی به مراتب شناخته‌شده‌تر از محافظه‌کاران - که طی اعلامیه‌ای در همان زمان اعلام کرد که به توری‌ها رای نخواهد داد (36).

گذشته از این، «در طول دو هفته اول مبارزات، دو داستان تقریباً یکسان درباره دو نامزد حزب محافظه‌کار و دو نامزد حزب کارگر وجود داشت: آنها به دلیل کامنت-گذاری‌های یهودستیزانه در رسانه‌های اجتماعی، تعلیق یا مجبور به استعفاء شدند.» با این حال، «نام‌بردن از نامزدهای حزب کارگر توسط تلویزیون که نظرات یهودستیزانه عرضه کردند توأم با تهییج‌کنندگی بیشتر نسبت به حزب محافظه‌کار صورت گرفت» (37).

معنی این عمل چنین است: اگرچه اخبار تلویزیونی از نظر فنی تعدادی مساوی از بیانیه‌ها را گزارش کرده، اما در اشاره به کوربین و حزب کارگر بر زمینه‌های منفی تأکید کردند در حالی که رویکردشان در مورد جانسون و حزب محافظه‌کار «خنثی»<sup>۷۵</sup> بود. این فرآیند «پیوند منفی»<sup>۷۶</sup> طی یک مطالعات متنی دقیق از سوی سازمان نظارت بر رسانه انگلستان<sup>۷۷</sup> تشریح شده است. دیوید ادواردز<sup>۷۸</sup> و دیوید کرامول<sup>۷۹</sup> از *مدیا لنز*

---

Ian Austin<sup>73</sup>

Ken Clarke<sup>74</sup>

Neutral<sup>75</sup>: طبیعی جلوه‌دادن ماجرا

negative association<sup>76</sup>

Media Lens<sup>77</sup>

David Edwards<sup>78</sup>

David Cromwell<sup>79</sup>

در آخرین کتاب خود<sup>۸۰</sup>، با جزئیات کالبدشکافانه مستند کردند که چگونه «مقامات ارشد رسانه‌های بسیج‌شده برای سینه‌زدن پشت سر دستگاه «امنیتی-نظامی» انگلستان، عملاً برای هتک آبروی کوربین به صف شدند». محققان مذکور در این رابطه به این نتیجه رسیدند که برای دستگاه «بسیار حیاتی بوده که فضیلت‌های اخلاقی کوربین نادیده گرفته شوند، و در واقع آبروی او از بین برود، تا رأی‌دهندگان به «بی‌تفاوتی<sup>۸۱</sup> و عدم-التزام<sup>۸۲</sup>» خود بازگردند» (38).

شایان ذکر است که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌ها (به‌ویژه رسانه‌های لیبرال) توانستند بر نوسان آراء در انتخابات سال 2019 تأثیر بگذارند. همانطور که جرمی گیلبرت<sup>۸۳</sup> (دانشمند علوم سیاسی) چنین می‌گوید: «شبیبه به یک افسانه می‌ماند: بزرگترین جبهه سیاسی که حزب کارگر در انتخابات 2019 از دست داد رأی-دهندگان «طبقه کارگر سنتی<sup>۸۴</sup>» بود که تماماً به محافظه‌کاران گرویدند». کوربین رأی‌دهندگان طبقه کارگر را به دلیل موضعش در مورد برگزیت از دست داد، همانطور که گیلبرت اینگونه مطرح می‌کند: «یک تغییر دموگرافیک<sup>۸۵</sup> شگفت‌انگیز و مهم (از نظر عددی) رخ داده است: تعداد رأی‌دهندگانی که در سال 2017 در 40 سالگی و اوایل 50 سالگی به سر می‌بردند و از حزب کارگر حمایت کردند، در سال 2019 اما تعداد زیادی‌شان به لیبرال دموکرات‌ها، اس‌ان‌پی<sup>۸۶</sup> و سبزها<sup>۸۷</sup> رأی دادند». ترکیبی از فاکتورها در کار بودند تا بر تصمیم‌گیری این جبهه رأی‌دهنده تأثیر بگذارد. یکی از این فاکتورها این بود که آنها درباره فراندوم برگزیت از کوربین موضع استوار پرو-ریماین<sup>۸۸</sup>

---

Propaganda Blitz: How the Corporate Media Distort Reality<sup>80</sup>

apathy<sup>81</sup>

non-involvement<sup>82</sup>

Jeremy Gilbert<sup>83</sup>

traditional working class<sup>84</sup>

demographic change<sup>85</sup>

SNP<sup>86</sup>

Greens<sup>87</sup>

pro-Remain<sup>88</sup>



را انتظار داشتند اما کوربین با اقدام متعادل کننده<sup>۸۹</sup> خود باعث شد تا این رأی دهندگان به شدت تحت تأثیر رسانه‌های اصلی قدیمی مانند بی‌بی‌سی و روزنامه گاردین قرار بگیرند. (موضع متوسط کوربین در مورد برگزیت در هر دو جهت<sup>۹۰</sup> نتیجه معکوس داشت). گیلبرت موضوع را اینگونه جمع‌بندی می‌کند: حزب کارگر از همه جهت آرای خود را از دست داد. همچنین ظاهراً اکثر آراء را در میان رأی‌دهندگان طبقه متوسط، تحصیل کرده و میانه‌رو از دست داد که نمی‌توانستند خود را متقاعد کنند که برای جلوگیری از پیروزی تمام‌عیار بوریس جانسون، زیر بار مصالحه بر سر برگزیت بروند. باید شک داشت به اینکه چنین رأی‌دهندگانی به شدت تحت تأثیر پروپاگاندای مداوم رسانه‌ای درباره «یهودستیزی»<sup>۹۱</sup> فرضی حزب کارگر قرار گرفته باشند. هدف این گفتمان یهودستیزانه تا حدی به منظور بیگانه‌کردن بخشی از رأی‌دهندگان جهان-وطنی<sup>۹۲</sup> و لیبرال‌های اجتماعی متعلق به حزب کارگر بود، که گویا متأسفانه موفق نیز بود (39).

### به خطر انداختن دموکراسی<sup>۹۲</sup>

این امر مورد پذیرش همگان است: هر دموکراسی کارآمد نیازمند یک فرآیند انتخاباتی مستقل است که شامل نفوذ سیاسی حزبی و ارتباطات توده‌ای جانبدارانه باشد. گویا یک مجموعه «دانشگاهی-رسانه‌ای-اندیشکده‌ای»، مطالعات سلسله‌واری را درباره - به قول بعضی - مداخله‌گری روسیه در فرآیندهای انتخاباتی غرب منتشر کرده‌است. این درحالی‌ست که تقریباً هیچ مطالعه‌ای انجام نشده که ارزیابی کند چگونه صاحبان منافع خاص<sup>۹۳</sup> بر فرآیند انتخابات انگلستان تأثیر گذاشتند تا دولت تحت رهبری

---

balancing act<sup>89</sup>

<sup>90</sup> هم خود برگزیت و هم انتخابات سال 2019

cosmopolitan<sup>91</sup>

<sup>92</sup> یا خطر در نظر گرفته نشدن دموکراسی

special interests<sup>93</sup>

کوربین تشکیل نشود. ما هرچه را که در مورد کوربین، حزب کارگر یا برنامه‌های سیاسی آنها در نظر می‌گیریم، بازهم تحلیل ما یک نقطه را نشان می‌دهد: سیاست انگلستان فاقد شرایط بازی برابر برای طرفین بوده‌است. همانطور که کنار هم خاطرنشان کرده: «سرویس‌های اطلاعاتی و ارتش باید «اصل قانون اساسی» مبنی بر عدم دخالت در امور سیاسی را رعایت کنند. اما حالا که موارد متعددی نشان می‌دهند که آنها به رسانه‌ها اطلاعات و رهنمون علیه کوربین داده‌اند، این سوال مطرح است که آیا این اصل رعایت شده یا نشده؟» آژانس‌های پروپاگاندا هرکاری که از دست‌شان ساخته می‌شد انجام دادند تا از اجماع افکار عمومی انگلستان در خصوص تغییرات سیاسی پیشنهادشده توسط کوربینیسم جلوگیری کنند. به قول کری: از پروپاگاندا، برای پایین کشیدن یک دستورالعمل عمومی اصیل‌تر از خودشان استفاده کردند، آن هم بدون در نظر گرفتن دموکراسی». برنامه کوربین رادیکال نبود. در قطب‌نمای سیاسی دهه 1980، کوربین در مقام یک سوسیال دموکرات مترقی طبقه‌بندی می‌شد. امروزه اما اینچنین از پلتفرم‌های سیاسی دیگر قابل تحمل نیستند، آن هم برای صاحبان منافع خاص، که بر جامعه ما حاکم اند؛ زیرا هدف کوربین باز-توزیع مقدار چشمگیری از ثروت بود، و همچنین کم اثر کردن «افراط و تفریط»های مربوط به امپریالیسم غربی. مبارزات کم‌دی‌وار آقایون علیه کوربین نتایج غم‌انگیزی در پی داشته است: جنبش حزب کارگر در مواجهه با یک جناح راست در حال ظهور به شدت متلاشی شده‌است؛ دولت وابسته به حزب محافظه‌کار به رهبری بوریس جانسون مسائلی مانند کووید-19، برگزیت و مراقبت‌های بهداشتی را به واسطه گروتسک‌ترین سیاست‌ها پشت سر گذاشت؛ و حزب کارگر هم آخرین اسلحه خود را به عنوان یک نیروی اپوزیسیون از دست داد و دوباره به یک حزب محافظه‌کار دگرگون شد، که خود این امر اکنون باعث محدودتر شدن اجماع سیاسی در انگلستان شده‌است (40). دنیای جدیدی مترصد آغاز شدن است.

## یادداشت‌های نویسندگان

1. ↪ Alex Carey, *Taking the Risk Out of Democracy: Corporate Propaganda Versus Freedom and Liberty* (Urbana: University of Illinois Press, 1997), 1; Matthew Smith, "[Labour Economic Policies Are Popular, So Why Aren't Labour?](#)," *YouGov*, November 12, 2019; Matthew Smith, "[Jeremy Corbyn Is on the Right Side of Public Opinion on Foreign Policy: Except for the Falklands](#)," *YouGov*, May 30, 2017.
2. ↪ Rowena Mason, "[Labour Leadership: Jeremy Corbyn Elected with Huge Mandate](#)," *Guardian*, September 12, 2015; Paul Whiteley, Monica Poletti, Paul Webb, and Tim Bale, "[Oh Jeremy Corbyn! Why Did Labour Party Membership Soar After the 2015 General Election?](#)," *British Journal of Politics and International Relation* 21, no. 1 (2019): 80–98; Rachael Swindon, "[Sir Unelectable? Fourteen Points Behind the Worst Government in Living Memory](#)," Rachael Swindon (blog), April 7, 2021; Peter Osborne and David Hearst, "[The Killing of Jeremy Corbyn](#)," *Middle East Eye*, June 5, 2020.
3. ↪ See Jamie Stern-Weiner, "[Jeremy Corbyn Hasn't Got an 'Antisemitism Problem': His Opponents Do](#)," *openDemocracy*, April 27, 2016.
4. ↪ "[Jeremy Corbyn's Speech to Annual Conference 2016](#)," *Labour Policy Forum*, September 28, 2016.
5. ↪ See Richard Norton-Taylor, "[Zinoviev Letter Was Dirty Trick by MI6](#)," *Guardian*, February 4, 1999; Howard Becker, "[The Nature and Consequences of Black Propaganda](#)," *American Sociological Review* 14, no. 2 (1949): 221–35.

6. ↪ [Cassandra Vinograd, “Donald Trump Remarks on NATO Trigger Alarm Bells in Europe,”](#) *NBC News*, July 21, 2016.
7. ↪ [For the Many, Not the Few: The Labour Party Manifesto 2017](#) (London: Labour Party, 2017); Patrick Wintour and Rowena Mason, [“Syria Airstrikes: Jeremy Corbyn Gives Labour MPs Free Vote,”](#) *Guardian*, November 30, 2015.
8. ↪ Tom Coburg, [“The Real Lesson from the Russia Report Is That Interference in UK Democracy Is Far Closer to Home,”](#) *Canary*, July 21, 2020; Mark Curtis, [“Twitter and the Smearing of Corbyn and Assange: A Research Note on the ‘Integrity Initiative,’”](#) Mark Curtis, December 28, 2018; Paul McKeigue, David Miller, Jake Mason, and Piers Robinson, “Briefing Note on the Integrity Initiative,” *Working Group on Syria Propaganda and Media*, December 21, 2018; Georgie Keate, Dominic Kennedy, Krystina Shveda, and Deborah Haynes, [“Apologists for Assad Working in British Universities,”](#) *Times*, April 14, 2018; Tim Anderson, *The Dirty War on Syria: Washington, Regime Change and Resistance* (Montréal: Global Research Publishers, 2016).
9. ↪ Curtis, “Twitter and the Smearing of Corbyn and Assange”; Steven Swinford, [“Liam Fox: Jeremy Corbyn Was ‘Useful Idiot’ to Russia During Cold War and Undermined National Security,”](#) *Telegraph*, February 25, 2018; Integrity Initiative, [Twitter post](#), 8:54 am, September 30, 2018; [“Liam Fox Resigns Over Links with His Friend Adam Werritty,”](#) BBC News, 2011; Allegra Stratton, Nick Hopkins, and Rupert Neate, [“Liam Fox Quits as Defence Secretary,”](#) *Guardian*, October 14, 2011.
10. ↪ [“The Role of the Monarchy,”](#) Royal Family, accessed December 21, 2021; Gail Barlett and Michael

- Everett, "[The Royal Prerogative](#)" (Briefing Paper 03861, House of Commons Library, 2017), 1–34.
11. ↪ Thomas Poole, "[United Kingdom: The Royal Prerogative](#)," *International Journal of Constitutional Law* 8, no. 1 (2010): 146–55.
  12. ↪ "[Chagos Islanders Cannot Return Home, Says Supreme Court](#)," BBC News, June 29, 2016; Poole, "United Kingdom."
  13. ↪ Paul Dwyer, *The Plot Against Harold Wilson* (London: BBC, 2006), available on YouTube; "[The Crown: Was Harold Wilson Suspected of Being a Soviet Spy?](#)," BBC News, December 14, 2019; Patrick Sawyer, "[Revealed: Full Extent of Lord Mountbatten's Role in '68 Plot Against Harold Wilson](#)," *Telegraph*, August 17, 2019; Richard Sanders, *Secret History: Prince Philip—The Plot to Make a King* (London: Blakeway Production for Channel 4, 2015), available on Daily Motion; Ross Clark, "[Prince Philip: A Patriot with Nazis in the Family and German Connections](#)," *Sunday Times*, April 11, 2021.
  14. ↪ Peter Barberis, John McHugh, and Mike Tyldesley, *Encyclopedia of British and Irish Political Organizations* (London and New York: Pinter, 2000), 181; Phil Tinline, "[1979: Britain in Meltdown](#)," *HistoryExtra*, April 18, 2019.
  15. ↪ See Rachel Borrill, "[Former Officer's Case Strengthened](#)," *Irish Times*, October 10, 1996; Paul Vallely, "[The Airey Neave Files](#)," *Independent*, February 22, 2002; Colin Richardson, "[Labour Has Lost the Plot](#)," *Guardian*, April 3, 2006;" Karina Urbach, "[Behind the Infant Queen's Gesture Lies a Dark History of Aristocratic Nazi Links](#)," *Guardian*, July 19, 2015.
  16. ↪ James Wharton, "[Tanks on the Runway](#)," *BFBS/Forces Net*, March 1, 2021; "British Army at

- Heathrow Airport: Anti-Terror Drill or Rehearsal for Anti-Wilson Coup? | 1974,” YouTube video, posted by Adeyinka Makinde, July 29, 2019; Jonathan Freedland, “[Enough of This Cover-Up: The Wilson Plot Was Our Watergate](#),” *Guardian*, March 15, 2006.
17. ↪ See, for example, Caroline Mortimer, “[British Army ‘Could Stage Mutiny Under Corbyn,’ Says Senior Serving General](#),” *Independent*, September 20, 2015; “[Corbyn Accuses Defence Chief of Political Bias in Nuclear Row](#),” BBC, November 8, 2015.
  18. ↪ Gordon Rayner, Hannah Furness, and Steve Bird, “[Jeremy Corbyn Advisers ‘Were on MI5 Lists’ Claims Dame Stella Rimington](#),” *Telegraph*, October 13, 2017; Francis Elliott, “[Former Head of MI6 Sir Richard Dearlove ‘Troubled’ by Corbyn](#),” *Sunday Times*, October 7, 2018; Charlotte Neal, “[Jeremy Corbyn ‘Meets MI6 as Brexit Negotiations Spark Snap Election Fears](#),”” *Daily Mirror*, November 10, 2018.
  19. ↪ “[Paratroopers Who Used Corbyn Picture for Target Practice Avoid Sacking](#),” *BFBS/Forces Net*, July 3, 2019; Conrad Duncan, “[Soldiers Who Used Photo of Jeremy Corbyn for Target Practice Disciplined but Not Sacked, MoD Says](#),” *Independent*, July 5, 2019; “[A Very British Institution: The UK Military and the Far-Right](#),” *redfish*, November 8, 2019; Sir Richard Dearlove, “Don’t Even Think of Handing Jeremy Corbyn the Keys to Number 10,” *Mail on Sunday*, November 23, 2019.
  20. ↪ Natalie Fenton, Des Freedman, Justin Schlosberg, and Lina Dencik, *The Media Manifesto* (Cambridge: Polity, 2020). See also Jigsaw Research, [News Consumption in the UK: 2020](#) (London: Ofcom, 2020), 19; [Who Owns the UK Media?](#) (London: Media Reform Coalition, 2021).

21. ↪ Richard Phillips, “John Pilger Discusses His ‘The Power of the Documentary’ Film Festival,” *World Socialist Website*, December 3, 2018.
22. ↪ Matt Kennard, “[How the UK Military and Intelligence Establishment Is Working to Stop Jeremy Corbyn Becoming Prime Minister](#),” *Daily Maverick*, December 4, 2019.
23. ↪ [Corbyn’s First Week: Negative Agenda Setting in the Press](#) (London: Media Reform Coalition, 2016), 2, 6–7.
24. ↪ Bart Cammaerts, Brooks DeCillia, João Magalhães, and César Jimenez-Martínez, [Journalistic Representations of Jeremy Corbyn in the British Press: From Watchdog to Attackdog](#) (London: London School of Economics and Political Science, 2016), 8–11; Nick Couldry and Bart Cammaerts, foreword to *Journalistic Representations of Jeremy Corbyn in the British Press*, 1.
25. ↪ See Justin Schlosberg, [Should He Stay or Should He Go? Television and Online News Coverage of the Labour Party in Crisis](#) (London: Media Reform Coalition and Birkbeck, University of London, 2016), 4. For the *Guardian*’s role in the campaign against Corbyn, see Matt Kennard and Mark Curtis, “[How the UK Security Services Neutralised the Country’s Leading Liberal Newspaper](#),” *Daily Maverick*, September 11, 2019.
26. ↪ Harvey Goldstein, “[Uses and Abuses of Statistical Evidence: How Much Antisemitism Is There in the British Labour Party?](#),” *Radical Statistics Newsletter* 124 (2019): 4–11; Yasmin Alibhai-Brown, “[Antisemitism on the Left, Yes—but Tories Have Their Own Problems with Both Jews and Muslims](#),” *inews*, April 24, 2018; Keith Flett, “[Jeremy Corbyn Has a Long and Honourable Record of Opposing Fascism, Racism and Anti-Semitism](#),” *Morning*

*Star*; “[Letter: We Stand with Jeremy Corbyn—Just as He Always Stood with Us](#),” *Red Pepper*, December 10, 2019; Joseph Finlay, “[Jeremy Corbyn Is an Anti-Racist, Not an Anti-Semite](#),” *Jewish News*, March 26, 2018; Andrew Feinstein, “[Jeremy Corbyn Is the Most Anti-Racist MP Serving in Parliament](#),” *Camden New Journal*, November 5, 2020.

27. ↪ Greg Philo, Mike Berry, Justin Schlosberg, Antony Lerman, and David Miller, eds., *Bad News for Labour: Antisemitism, the Party, and Public Belief* (London: Pluto, 2019), vii–viii, 1–2.
28. ↪ David Broder, “How Labour Became ‘Antisemitic’: An Interview with Greg Philo,” *Jacobin*, May 10, 2019.
29. ↪ Justin Schlosberg and Laura Laker, [Labour, Antisemitism and the News: A Disinformation Paradigm](#) (London: Media Reform Coalition, 2018), 2.
30. ↪ Jamie Stern-Weiner, “[Jeremy Corbyn Hasn’t Got an ‘Antisemitism Problem’: His Opponents Do](#),” *openDemocracy*, April 27, 2016.
31. ↪ For the 2017 election, see Dominic Wring, Roger Mortimore, and Simon Atkinson, eds., *Political Communication in Britain: Campaigning, Media and Polling in the 2017 General Election* (Cham: Palgrave Macmillan, 2019); “[General Election 2017: Discover What’s Making the Media Headlines](#),” Loughborough University, May 15, 2017. For the 2019 election, see “[General Election 2019](#),” Loughborough University; David Deacon, Jackie Goode, David Smith, Dominic Wring, John Downey, and Cristian Vaccari, “[Report 5: 7 November–11 December 2019](#),” Loughborough University, 2019; “[Press Hostility to Labour Reaches New](#)



- [Levels in 2019 Election Campaign](#),” press release 19/236, Loughborough University, December 19, 2019.
32. ↪ David Deacon, John Downey, David Smith, James Stanyer, and Dominic Wring, “A Tale of Two Parties: Press and Television Coverage of the Campaign,” in *Political Communication in Britain*, 27–28; David Deacon, Jackie Goode, David Smith, Dominic Wring, John Downey, Cristian Vaccari, “[Report 1: 7 November–13 November 2019](#),” Loughborough University, 2019.
33. ↪ Carlotta Dotto, “[Thousands of Misleading Conservative Ads Side-Step Scrutiny Thanks to Facebook Policy](#),” *First Draft*, December 6, 2019.
34. ↪ Ivor Gaber and Caroline Fisher, “[‘Strategic Lying’: The Case of Brexit and the 2019 UK Election](#),” *International Journal of Press/Politics* (2021): 9; Dawn Foster, “[Something Frightening Is Happening in British Politics](#),” *Jacobin*, November 12, 2019.
35. ↪ David Deacon, Jackie Goode, David Smith, Dominic Wring, John Downey, and Cristian Vaccari, “[Report 4: 7 November–4 December 2019](#),” Loughborough University, 2019.
36. ↪ Justin Schlosberg, “[Where’s the Impartiality? #GenElec2019](#),” Media Reform Coalition, December 3, 2019.
37. ↪ Schlosberg, “Where’s the Impartiality?”
38. ↪ David Edwards and David Cromwell, *Propaganda Blitz: How the Corporate Media Distort Reality* (London: Pluto, 2018), 22, 28.
39. ↪ Jeremy Gilbert, “[It Was the Centrist Dads Who Lost It](#),” *openDemocracy*, January 13, 2020.
40. ↪ Kennard, “How the UK Military and Intelligence Establishment”; Ian Sinclair and Rupert Read, [A Timeline of the Plague Year: A Comprehensive Record of the UK](#)

*Government's Response to the Coronavirus Crisis* (Mountain View: Creative Commons, 2021); Thomas Colson, “ Brexit Has Been a Disaster for Britain as Collapsing European Trade Puts UK Firms Out of Business,” *Business Insider*, March 31, 2021; Caroline Molloy, “The Terrifying Truth About Those Deciding the Future of the NHS,” *openDemocracy*, December 19, 2020.

منبع:

<https://monthlyreview.org/2022/02/01/anatomy-of-a-propaganda-campaign-jeremy-corbyns-political-assassination/>